

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)
دوره جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۴

ژئوپلیتیک انرژی و بازسازی قدرت روسیه

دکتر احسان یاری^۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۵/۸، تاریخ تایید: ۱۳۹۳/۶/۲۲

چکیده

یکی از مهمترین مباحث در حوزه انرژی، مسئله ژئوپلیتیک انرژی است و از چنان اهمیتی برخوردار است که امروزه امنیت ملی و طرح ریزی قدرت بر اساس کنترل بر منابع انرژی سنجدیده می‌شود. بر این اساس ژئوپلیتیک انرژی، اهمیت انرژی را در رقابت‌ها و همکاری‌های ژئوپلیتیکی کشورها و تاثیر آن بر سیاست خارجی کشورها را دربرمی‌گیرد. در این میان حوزه اوراسیا و بویژه کشور روسیه در تمامی زمینه‌های مربوط به انرژی دارای موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی است. حجم عظیم ذخایر نفت و گاز، دسترسی به بازارهای عمده مصرف در آسیا و اروپا و در اختیار داشتن شبکه ترانزیتی گسترده، قابلیت بالایی را برای روسیه ایجاد کرده است، تا به کمک انرژی به تقویت قدرت خود پردازد. از این‌رو، این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به بررسی ژئوپلیتیک انرژی روسیه پرداخته و نتایج آن نشان می‌دهد که روسیه با بهره‌گیری از ظرفیت ژئوپلیتیکی خود در تولید و ترانزیت انرژی در سطح وسیعی از شرق آسیا، آمریکا تا اروپا و حوزه مدیترانه و استفاده مناسب از ژئوپلیتیک انرژی بویژه در زمینه گاز طبیعی، توانسته است به بازسازی قدرت خود پس از جنگ سرد دوران ریاست جمهوری یلتسین اقدام کرده، به‌طوری که منابع عظیم نفت و گاز این کشور جای ارتش و نیروهای نظامی آن را در سطح نظام بین‌الملل گرفته‌اند.

کلیدواژگان: ژئوپلیتیک انرژی، روسیه، ذخایر انرژی، ترانزیت انرژی، اوراسیا.

۱. استادیار دانشگاه شیراز، e.yari22@gmail.com

مقدمه

انرژی از ملزومات اساسی توسعه در جهان به‌شمار می‌رود به‌گونه‌ای که عدم تأمین تقاضای آن باعث بحران در جهان خواهد شد. نگاهی به تاریخ جهان به‌خصوص در چند قرن اخیر به خوبی نشان می‌دهد که انرژی چگونه در روند تحولات سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار بوده است. انرژی برای کشورهای پیشرفته صنعتی جهان به‌عنوان عامل حرکت چرخ‌های تولید و اقتصاد مطرح است و برای اکثر کشورهای عمده دارنده آن؛ منبع اصلی درآمد محسوب می‌شود. این اهمیت باعث شد تا پس از پایان جنگ سرد، کشورهای قدرتمند سعی کنند به مناطق حساس جهان به جای توجهات سیاسی، نظامی؛ نگرشی سیاسی-اقتصادی داشته باشند. به همین دلیل در حال حاضر یکی از اهداف مهم قدرتهای بزرگ دستیابی و تسلط بر منابع انرژی است. می‌توان گفت که از دو دهه پیش تاکنون، گفتمان ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی آرام آرام به سوی مفاهیم ژئواکونومیک به‌ویژه مفاهیم مرتبط با انرژی و سوخت‌های فسیلی کشیده شده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۸). در این میان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، انرژی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌دهی به روابط خارجی روسیه بیش از پیش مورد توجه زمامداران کاخ کرملین قرار گرفت. در دوران ریاست جمهوری پوتین اولین تغییرها در سیاست انرژی با انتشار «استراتژی انرژی روسیه برای سال ۲۰۲۰» آغاز شد. برخی اهداف این استراتژی کنترل دولتی بر صنعت انرژی کشور و شبکه ترانزیت آن به بازارهای مصرف است. همچنین در این سند به استفاده روسیه از انرژی به عنوان ابزاری در جهت اهداف سیاست خارجی تأکید شده است. بخش‌هایی از این استراتژی که به بازارهای خارجی مربوط می‌شود، زنگ خطری برای همسایگان روسیه به حساب می‌آید. استراتژی انرژی روسیه شامل اهداف سیاست انرژی این کشور درخصوص کشورهای خارجی از جمله ضرورت تقویت موضع روسیه در بازار جهانی انرژی و به حداکثر رساندن صادرات انرژی است. روسیه علاوه بر نقش آفرینی جدی در بازار انرژی، اقدامهای گسترده‌ای برای به دست گرفتن کنترل تولید و انتقال نفت و گاز همسایگان خود که زمانی کشور واحدی را تشکیل می‌دادند آغاز کرد. روسیه در چند مورد با بستن شیرهای گاز به روی مشتریان خود در اروپای شرقی و گرجستان تلاش کرده است تا به‌طور عملی گاز را به‌عنوان یکی از ابزارهای قوی در معادلات سیاسی-امنیتی

در چارچوب سیاست خارجی خود در مقابل سایر کشورها نشان دهد. از این رو این پژوهش بر آن است تا به بررسی ژئوپلیتیک انرژی روسیه بپردازد.

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی بوده، روش انجام آن نیز توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز نیز از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی معتبر گردآوری شده است.

چارچوب نظری تحقیق (ژئوپلیتیک انرژی)

انرژی به نماد ژئوپلیتیک در قرن ۲۱ تبدیل شده است و منعکس‌کننده کاهش اتکای کشورها به ارتش، قدرت سیاسی و نظامی می‌باشد. امروزه انرژی به ابزاری در رقابتهای ژئوپلیتیکی همانند سلاحهای هسته‌ای و یا ارتشهای بزرگ در زمان جنگ سرد تبدیل شده است. در واقع از چنان اهمیتی برخوردار گشته که امنیت ملی و طرح‌ریزی قدرت بر اساس کنترل بر منابع انرژی سنجیده می‌شود. انرژی نه تنها ابزاری برای نفوذ می‌باشد بلکه به‌عنوان زیربنای دیگر اشکال قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی و قدرت نرم بشمار می‌رود (Petersen & Barysch, 2011: 1). چرا که توسعه اقتصادی و اجتماعی، کاهش فقر و امنیت بین‌المللی به آن بستگی دارد (Half, 2010: 19). از این رو اهمیت انرژی به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و بخش‌های عمده‌ای از مسائل سیاسی را به سمت خود جلب نموده است و رقابت برای دستیابی به منابع معدودی که اقتصاد جهانی را تعیین می‌کند افزایش داده است. افزایش جمعیت، رشد اقتصادی پویا (به‌خصوص چین و هند) و افزایش رفاه، محرک‌های رشد تقاضا هستند. با این حال قیمت‌های بالای انرژی و ظرفیت‌های محدود به ویژه در بازار نفت، اقتصاد جهانی به انرژی را حساس کرده است. امنیت عرضه انرژی و ثبات در قیمت‌ها دو فاکتور کلیدی برای رشد اقتصادی قوی در کشورهای صنعتی و در حال توسعه است. ژئوپلیتیک انرژی و وجود ذخایر انرژی در معدودی از کشورها، توازن بازار را به نحو قابل توجهی به سمت تولیدکنندگان سوق داده است (Monaghan & others, 2006: 1).

ریسک یا خطر ژئوپلیتیکی در عرضه انرژی زمانی صورت می‌گیرد که تنش‌های بین‌المللی، درگیریهای محلی و یا منطقه‌ای دورنمای نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی را در بعد انرژی تیره و تار نشان دهد. بخشی از این چالشها پدیده تروریسم و تهدید زیرساختهای عرضه انرژی است (Study on Energy Supply Security and Geopolitics, 2004: 43).

اختلالات امنیت انرژی همواره موضوع اصلی مباحث ژئوپلیتیکی بوده‌اند. در طول تاریخ تلاش برای تضمین دستیابی به منابع انرژی و امنیت کافی مسیرهای انتقال، نیازمند تدابیر نظامی، دیپلماتیک، تجاری و فنی بوده است. امروزه از مواد خام بویژه انرژی به‌عنوان ابزار اعمال فشار در سیاست استفاده می‌شود. با تغییر تقاضای انرژی از کشورهای غرب به کشورهای پر جمعیت در حال توسعه (چین و هند) در قرن بیست و یکم بخش وسیعی از پالایش جهانی نفت نیز از اروپا و ایالات متحده به کشورهای آسیایی و مناطق دیگر جهان انتقال خواهد یافت. موازنه تولید و مصرف انرژی در آینده به شدت تغییر خواهد کرد. نیاز انرژی در فاصله زمانی ۲۰۰۰ - ۲۰۳۰ حدود ۶۶ درصد و در سالهای بین ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۵ حدود ۵۸ درصد افزایش خواهد یافت (priddle, 2002: 29). در نتیجه تجارت انرژی ۱۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. وابستگی متقابل درون سیستم بین‌المللی انرژی در حال افزایش است و موضوعی که در این میان کاملاً واضح است، رشد فزاینده مصرف تجارت انرژی می‌باشد. قیمت انرژی بویژه قیمت نفت، از قیمت‌های کلیدی اقتصاد می‌باشد. معاملات مالی مربوط به بخش انرژی به دلیل مقیاس آن جزئی از شاخص‌های موازنه در سیستم مالی و اعتباری بین‌المللی می‌باشد (Oil supply security, 2007: 14).

بنابراین؛ انرژی برای کشورهای پیشرفته صنعتی جهان به عنوان عامل حرکت چرخ‌های تولید و اقتصاد مطرح است و برای اکثر کشورهای عمده دارنده آن؛ منبع اصلی درآمد محسوب می‌شود. انرژی در رشد اقتصادی و پیشرفت صنعتی کشورهای جهان بیشترین اثر را در چند سده اخیر داشته است. تجربه چند دهه گذشته نیز نشان داده است که انرژی از پایه‌های اصلی پیشرفت اقتصادی و تکنولوژی و به تبع آن افزایش منزلت ژئوپلیتیکی هر کشوری است چرا که بنیاد توسعه کشورها بر انرژی نهاده شده است. انرژی چنان اهمیتی دارد که عدم تامین تقاضای آن در هر زمانی باعث ایجاد بحران در اقتصاد جهان خواهد شد. اهمیت انرژی بدان حد است که دولتهای مصرف‌کننده، مکانهای تولید انرژی و دولتهای تولیدکننده، مکانهای

مصرف انرژی و هر دو مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی را جزو اهداف امنیت ملی خود محسوب می‌کنند. همین اعتبار، انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل کرده است. بدین ترتیب، مساله دسترسی به منابع انرژی و نیز انتقال انرژی از مکانهای برخوردار به مکان‌ها و فضاهاى بدون انرژی و نیازمند، و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی برای حفظ سیادت مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است. بنابراین می‌توان گفت که ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه و ابعادهای مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملتها و دولتها می‌پردازد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۱۰۳).

یافته های تحقیق

انرژی اوراسیا

اوراسیا در ادبیات روابط بین‌الملل به منطقه‌ای گفته می‌شود که از شرق اروپا تا شمال غربی چین تداوم پیدا کرده و مهمترین ویژگی آن پیوستگی سرزمینی و دسترسی محدود به آب‌های آزاد است. در دوران پس از جنگ سرد اوراسیا به‌عنوان بزرگترین بخش سرزمینی جهان هنوز از اهمیت ژئوپلیتیکی بسیاری برخوردار است. به نظر برژینسکی قدرتی که بر اوراسیا تسلط داشته باشد، می‌تواند بر دو منطقه از مناطق سه‌گانه مهم و از لحاظ اقتصادی بر پیشرفته‌ترین و مولدترین مناطق جهانی نظارت کند (لطفیان، ۱۳۸۳: ۱۵۶). در این عرصه جغرافیایی که شرق و غرب را به هم پیوند زده است دو حوزه عمده انرژی از یکدیگر قابل تفکیک است:

منابع نفت و گاز روسیه شامل منابع سیبری و اورال

منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۲).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آخرین دهه قرن بیستم موجب شد که منابع گاز و نفت حوزه دریای خزر و روسیه، فرصت‌های جدیدی برای بازارهای جهانی انرژی به وجود آورد. در نتیجه این تحول، توجه دولتهای توسعه یافته و در حال توسعه و شرکتهای چند ملیتی نفتی به منابع غنی و سودآور انرژی در حوزه جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی جلب شد و

حجم قابل توجه سرمایه‌گذاری‌های نفتی در این مناطق (که با تبلیغات فراوان، و در مواردی اغراق‌آمیز، در مورد حجم ذخایر انرژی همراه بود) با کشمکش‌های سیاسی در مورد حجم ذخایر و اکتشاف و مسیرهای انتقال منابع انرژی منطقه تداوم پیدا کرد. در شرایطی که اقتصاد جهانی شاهد رشد چشمگیر تقاضای جهانی برای مصرف انرژی می‌باشد، حوزه جغرافیایی اوراسیا با برخورداری از ۳۸ درصد ذخایر گاز، ۶ درصد نفت و ۲۸ درصد ذغال سنگ پس از خلیج فارس دومین کانون مهم بین‌المللی انرژی را تشکیل می‌دهد (امیر احمدیان، ۱۳۸۶: ۲۸).

در این میان روسیه بخش اصلی جغرافیای اوراسیا را پوشش داده است (در گذشته این وسعت جغرافیایی توان بالای نظامی برای این کشور ایجاد می‌کرد). امروزه برداشت و استفاده از منابع زیرزمینی و منابع هیدروکربنی باعث افزایش قدرت و اثرگذاری این کشور بر تحولات بین‌المللی شده است. در بازار جهانی انرژی که موتور محرکه اقتصاد جهانی است، روسیه عمده‌ترین عرضه‌کننده نفت و گاز است. این کشور ضمن استفاده از منابع انرژی خود برای افزایش توانایی در عرصه جهانی، بخش گسترده‌ای از تولید-انتقال و توزیع انرژی را در سایر کشورهای اوراسیا در آسیای مرکزی- قفقاز پوشش می‌دهد و تامین‌کننده و کانال اصلی ورود انرژی از شرق به غرب است (Vahtra & Stefan Ehrstedt, 2008: 14).

ذخایر انرژی روسیه

از لحاظ جایگاه منابع طبیعی و نفت روسیه دارای مقام هشتم در ذخایر نفت است. اما بزرگترین صادرکننده نفت پس از عربستان سعودی به‌شمار می‌آید. همچنین روسیه بزرگترین ذخیره گاز جهان و بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی است. از نظر ذغال سنگ نیز روسیه دومین ذخیره جهانی است. ذخایر نفتی این کشور در حدود ۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که در حدود ۶ درصد کل ذخایر جهانی است و همواره برای مدتی طولانی تعیین‌کننده میزان قدرت و سلامت اقتصاد روسیه بوده است (cooper, 2009: 18-19). بر اساس آمار ارائه شده ۲۰۱۴ روسیه با دارا بودن ۹۳ میلیارد بشکه هفتمین دارنده بزرگ نفت جهان به‌شمار می‌رود. همچنین این کشور از نظر ذخایر گازی در این سال بعد از ایران در جایگاه دومین دارنده بزرگ گاز جهان قرار دارد چرا که

در این سال جمهوری اسلامی ایران با ۳۳/۸ تریلیون متر مکعب از منابع گازی روسیه (۳۱/۳ تریلیون متر مکعب) پیشی گرفت (BP Statistical Review of world Energy, 2014: 6-20).

جدول ۱: وضعیت منابع نفت روسیه

شرح	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۰۳
ذخایر (میلیارد بشکه)	۹۳	۹۲/۱	۷۹
تولید (هزار بشکه در روز)	۱۰۷۸۸	۱۰۶۴۳	۸۶۰۲
مصرف (هزار بشکه در روز)	۳۳۱۳	۳۲۱۲	۲۶۷۹
اضافه تولید (هزار بشکه در روز)	۷۴۷۵	۷۴۳۱	۵۹۲۳

Source: BP Statistical Review of world Energy, 2014: 6-9

جدول ۲: وضعیت منابع گاز طبیعی روسیه

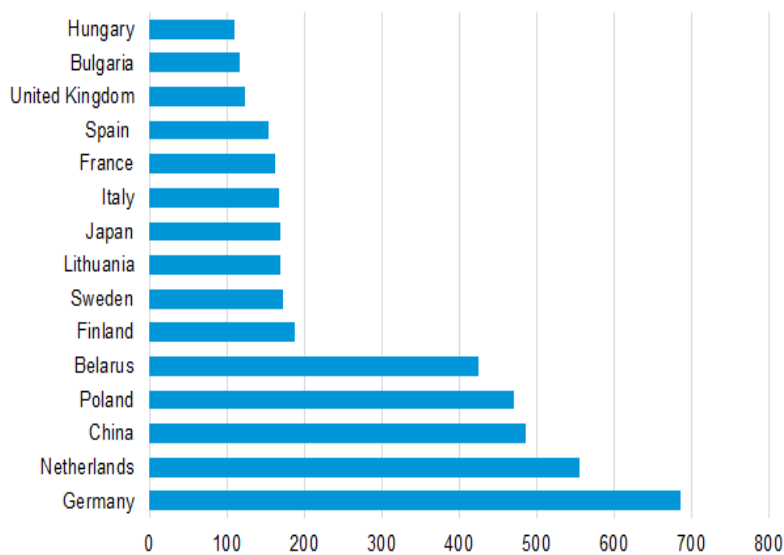
شرح	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۰۳
ذخایر (تریلیون متر مکعب)	۳۱/۳	۳۱	۳۰/۴
تولید (میلیارد متر مکعب)	۶۰۴/۳	۵۹۲/۳	۵۶۱/۶
مصرف (میلیارد متر مکعب)	۴۱۳/۵	۴۱۶/۳	۳۷۹/۵
اضافه تولید (میلیارد متر مکعب)	۱۹۰/۸	۱۷۶	۱۸۲/۱

Source: BP Statistical Review of world Energy, 2014: 20-23

همانطور که جداول فوق نشان می‌دهند این کشور دومین تولیدکننده بزرگ نفت جهان بعد از عربستان سعودی و دومین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی بشمار می‌رود. همچنین میزان مصرف کم انرژی آن در مقایسه با تولیدی که دارد، باعث شده تا از اضافه تولید زیادی برخوردار باشد و این امر به روسیه اجازه داده تا به بازارهای تقاضای انرژی جهان دستیابی پیدا کند. در حقیقت اساس تمرکز انرژی اوراسیا در روسیه قرار دارد. به گونه‌ای که این کشور ۷۶ درصد ذخایر گاز، ۴۴ درصد ذخایر نفت و ۳۴ درصد ذخایر ذغال سنگ اوراسیا را از آن خود دارد. از سال ۱۹۹۹ میزان تولید نفت این کشور سیر صعودی گرفت به گونه‌ای که در فاصله سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ تولید نفت خام این کشور ۲۰٪ افزایش یافت و به ۷/۴۳ میلیون بشکه در روز رسید (International Energy Outlook, 2005).

صادرات انرژی روسیه

روسیه روزانه ۹/۸ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند که از این میزان ۲/۸ میلیون بشکه در داخل روسیه مصرف می‌شود و بیش از ۷ میلیون بشکه آن صادر می‌شود. به عبارت دیگر ۷۰ درصد نفت خام روسیه صادر می‌شود و ۳۰ درصد باقیمانده در پالایشگاه‌های داخلی تصفیه می‌شود. در سال ۲۰۱۲ روسیه ۷/۴ میلیون بشکه در روز صادرات سوخت‌های مایع داشته که از این مقدار ۵ میلیون بشکه نفت خام و ۲/۴ میلیون بشکه تولیدات نفتی بوده است. اکثریت (۷۹ درصد) صادرات نفت خام روسیه به کشورهای اروپایی از جمله اروپای شرقی و بویژه آلمان، هلند و لهستان می‌باشد. حدود ۱۸ درصد از صادرات نفت خام روسیه نیز به آسیاست و مابقی آن به کشورهای آمریکایی صادر می‌گردد. بیش از ۸۰ درصد صادرات نفت روسیه از طریق خط لوله می‌باشد و مابقی آن از طریق کشتی صورت می‌گیرد (U.S. Energy Information Administration, Russia, 2014: 8).

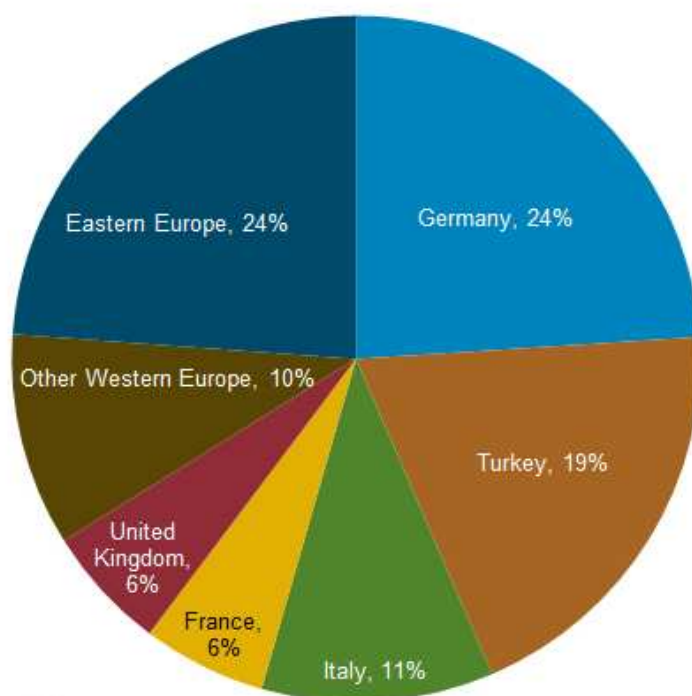


Source: Global Trade Atlas, U.S. Energy Information Administration

شکل ۱: مهمترین مقاصد صادراتی نفت روسیه در سال ۲۰۱۲ (بر حسب هزار بشکه در روز)

روسیه در زمینه صادرات گاز طبیعی در جهان دارای جایگاه برتر می باشد. اهمیت روسیه در بخش گاز بسیار بیشتر از اهمیت عربستان سعودی در تولید نفت است که دارای ۲۵ درصد ذخایر نفت جهان است. حدود ۷۶ درصد از صادرات گاز روسیه به کشورهای اروپای شرقی، آلمان، ترکیه، ایتالیا، فرانسه و بریتانیا می باشد

(U.S. Energy Information Administration, Russia, 2014: 12)



Source: Eastern Block Energy, U.S. Energy Information Administration

شکل ۲: مهمترین مقاصد صادراتی گاز طبیعی روسیه در سال ۲۰۱۲

خطوط لوله و ترانزیت انرژی روسیه

روسیه از امکانات بسیار گسترده‌ای در زمینه بهره‌برداری از خطوط لوله، نفتکش و راه‌آهن برای ترانزیت نفت و گاز خود به چهار گوشه جهان برخوردار است. این امتیاز ناشی از گستردگی جغرافیایی و همسایگی و ارتباط سرزمینی روسیه با کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکا می‌باشد. این پیوستگی سرزمینی باعث استقرار شبکه گسترده‌ای از خطوط لوله شده است، که از آسیای مرکزی و سیبری آغاز می‌شود و تا اروپای غربی - جنوب اروپا و ترکیه ادامه می‌یابد. بیش از ۴۰ درصد گاز کشورهای اروپایی از این شبکه تامین می‌شود. روسیه سفید و کشورهای بالتیک به‌طور کامل از این شبکه تغذیه می‌شوند (Tomberg, 2006: 95).

الف. خطوط لوله صادرات نفت

خط لوله دروژبا (دوستی): طولانی‌ترین خط لوله جهانی با طول ۴۰۰۰ کیلومتر می‌باشد و بزرگترین خط لوله انتقال نفت خام روسیه و آسیای مرکزی به اروپا است و ۷۰ درصد از نفت خام روسیه به مقصد اروپا از طریق این شبکه انتقال می‌یابد.

بندر نووروسیسک دریای سیاه: یکی دیگر از مسیرهای انتقال نفت روسیه و آسیای مرکزی می‌باشد. این بندر به خط لوله سامارا - تیهورک^۱ متصل می‌باشد که نفت را از «ماخاچ قلعه» (روسیه)، به باکو (آذربایجان) و سپس به این بندر منتقل می‌کند.

سیستم خط لوله بالتیک^۲: این خط لوله سالانه حدود ۷۴ میلیون تن نفت خام را از سیبری غربی روسیه به بندر پریمورسک روسیه در خلیج فنلاند منتقل می‌کند.

خط لوله تیوشت به داشینگ و ناخودکا^۳: ۱۵۵۰ مایل طول دارد و شهر آنگارسک را به شهر چینی داکینگ وصل می‌کند. این خط لوله از سال ۲۰۰۸ به بهره‌برداری رسیده و ظرفیت آن در مرحله آغازین ۴۰۰ هزار بشکه در روز است.

-
- 1 . Samara – Tihorek.
 - 2 . Baltic Pipeline System – BPS.
 - 3 . Taishet to Dashing and Nakhoda.

خط لوله سیبری غربی به مورمانسک^۱: در جدول زیر برای اولین بار در جریان ملاقات پوتین و بوش در می ۲۰۰۲ مطرح گردید. این خط لوله ۱/۶ میلیون بشکه نفت خام را از سیبری غربی و استان نفت خیز تیمن پچورا به بندر مورمانسک در دریای برنت انتقال می‌دهد و در آنجا از طریق کشتی به آمریکا صادر می‌شود.

جدول ۳: شبکه صادرات نفت روسیه

ردیف	خطوط لوله صادراتی	۲۰۰۳	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
۱	پایانه پرمورسک	۰/۰۶	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
۲	پایانه بالتیک و لهستان	۰/۱	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳
۳	همکاری اوکراین-اروپا	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳
۴	شبکه دریای سیاه	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳
۵	شبکه دریای خزر	۰/۴	۰/۶	۱/۳	۱/۳	۱/۳
۶	تیوشت به داشینگ و ناخودکا	--	--	۰/۶	۱	۱/۶
۷	سیبری غربی به مورمانسک	--	--	--	۱	۱/۶

Source: Oil Supply Security, IEA, 2007

خطوط لوله صادرات گاز

حدود دو سوم از کل صادرات گاز روسیه، که در سال ۲۰۰۵، ۱۵۶/۱ میلیارد مترمکعب بود، به بازارهای اروپایی صادر می‌شود. اما در زمینه مصرف، کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به واردات انرژی از روسیه، وابسته‌تر می‌باشند. در این منطقه گاز وارداتی از روسیه به‌طور متوسط ۸۷ درصد از کل واردات و ۶۰ درصد از مصرف کل را به خود اختصاص می‌دهد. انتظار می‌رود که به واسطه عوامل مختلف از جمله مقررات سخت اتحادیه اروپا در زمینه محیط زیست و با تأکید ویژه بر جایگزینی سوخت‌های فسیلی دارای قابلیت انتشار کربن بالا،

1. Western Siberia to Murmansk.

از قبیل ذغال سنگ، مقاومت اجتماعی در قبال برق هسته‌ای و همچنین کاهش سریع منابع انرژی داخلی اتحادیه اروپا، میزان واردات گاز این منطقه تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۶۰ درصد افزایش یابد و حتی به سرعت جایگزین نفت خام گردد. از آنجایی که روسیه دارای قابلیت بالای تأمین گاز طبیعی برای اتحادیه اروپا می‌باشد و دیگر کشورهای صادرکننده از قبیل الجزایر، فاقد میزان گاز موردنیاز و حتی خطوط انتقال لازم هستند، انتظار می‌رود که اهمیت صادرات گاز روسیه در میان مدت و در آینده نیز افزایش یابد.

جدول ۴: حجم ترانزیت گاز روسیه به اروپا و کشورهای مشترک‌المنافع (میلیون مترمکعب)

Year	Total Transit	Transit to EU	Transit to CIS
۲۰۰۵	۱۳۶/۴	۱۲۱/۵	۱۴/۹
۲۰۰۶	۱۲۸/۵	۱۱۳/۸	۱۴/۷
۲۰۰۷	۱۱۵/۲	۱۱۲/۱	۳/۷
۲۰۰۸	۱۱۹/۶	۱۱۶/۹	۲/۷
۲۰۰۹	۱۲۰/۰	۱۱۶/۹	۳/۲

Source: The EU- Russia Gas Connection, 8/2009, www.tse.fi.

خطوط لوله گاز موجود بین روسیه و اتحادیه اروپا شامل مسیرهای زیر است:

- خط لوله یامال - یک (یامال - اروپا).
- خط لوله برادری.
- خط لوله نورتون لایت (اورنگوی - اوژگورود)^۱.
- خط لوله جریان آبی^۲.

1. Northern Lights (Urengoi-Uzhgorod).

2. Blue Stream.

سیاست خارجی روسیه

تغییرات در سیستم‌های سیاسی و اقتصادی تاثیر عمیقی را بر روی دسترسی به منابع انرژی ایجاد می‌کند. توان انرژی روسیه و دریای خزر برای مدتی طولانی بطور کامل قابل دسترسی نبود. فروپاشی شوروی و تغییر مرزبندی ژئوپلیتیکی به باز شدن فرصتهای جدید و تغییر در عرضه بازار انرژی انجامید (Study on Energy Supply Security and Geopolitics, 2004: 42).

پس از فروپاشی شوروی، موقعیت روسیه در نظم جهانی جدید نامشخص و ناشناخته بود. این مساله به طور کامل روشن نبود که آیا روسیه جدید به عنوان جانشین اتحاد شوروی (به همراه مجموعه بزرگی از انبار تسلیحات به ویژه سلاح‌های هسته‌ای) مطرح است یا خیر. رئیس جمهور جدید فدراسیون روسیه پس از فروپاشی، بوریس یلتسین^۱ طرح تحول اقتصادی اقتصادی را با دو اقدام آزادسازی قیمتها و خصوصی‌سازی به اجرا گذاشت. این سیاست‌های اقتصادی منجر به شکل‌گیری طبقه جدید اجتماعی با نام الیگارشها شد، که اقتصاد روسیه را در کنترل خود داشت. برنامه‌های اقتصاد بازار یلتسین هرچه بیشتر به بحران اقتصادی و تنزل موقعیت روسیه در عرصه بین‌المللی انجامید. این بحران و بی‌ثباتی در دور دوم ریاست جمهوری یلتسین نیز ادامه یافت. در سال ۱۹۹۹ ولادیمیر پوتین (که فردی ناشناخته و فاقد پست دولتی بود) به نخست‌وزیری منصوب شد. برنامه پوتین بازگشت روسیه به عرصه بین‌المللی و بازسازی قدرت این کشور بود (Mancevic, 2007: 6). مهمترین عواملی که به این بازسازی قدرت کمک می‌کرد، منابع انرژی و ثبات داخلی است. در سند سیاست خارجی روسیه، که در سال ۲۰۰۰ تدوین شد و نسخه جدید آن توسط دولت مدودف نگارش یافته است، بزرگترین تهدیدها و فرصت‌های این کشور از جانب منطقه غربی است، که از جمهوری‌های بالتیک و جمهوریهای سابق اتحاد شوروی یعنی روسیه سفید، اوکراین، مولداوی، تا دریای سیاه، قفقاز و دریای خزر امتداد دارد.

در سند جدید سیاست خارجی که از پنج بخش تشکیل شده است، اهداف سیاست خارجی این کشور شامل تامین امنیت ملی، ایجاد زمینه‌های مناسب در خارج برای توسعه روسیه در

1. Boris Jeltsin.

داخل، نفوذ در روندهای جهانی برای تضمین شکل‌گیری نظم عادلانه و دموکراتیک در جهان، تقویت نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و حمایت از منافع قانونی و مشروع شهروندان روسیه در خارج عنوان شده است. در حمله به اوستیا در سال ۲۰۰۸، آقای مدودف با استناد به بند اخیر سند سیاست خارجی، اقدام روسیه را دفاع از جان و مال شهروندان روسی عنوان کرد. در نسخه جدید این سند در جولای ۲۰۰۸ با اشاره به عضویت روسیه در شورای امنیت، گروه هشت، و سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر استفاده از این پتانسیل برای افزایش کارآمدی سیاست خارجی روسیه تاکید شده است. همچنین بر نقش آفرینی بیشتر مسکو در اقتصاد و سیاست جهانی، رد نظم بین‌المللی تک قطبی و بر نقش روسیه در بنیان‌گذاری نظام بین‌المللی جدید اشاره می‌شود. در سند ۲۰۰۸ نخستین اولویت منطقه‌ای، توسعه همکاری‌های دو یا چندجانبه با کشورهای مشترک‌المنافع^۱ است. همچنین بر نقش سازمان همکاری شانگهای، سازمان امنیت دسته جمعی، سازمان همکاری دریای سیاه و همکاری با دولت‌های ساحلی دریای خزر بسیار تاکید شده است. در این سند روسیه به‌عنوان یک قدرت بازسازی شده تعریف می‌شود که حاضر به نقش آفرینی در همکاری‌ها و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی است. برجسته‌ترین نمود این بازگشت به سال ۲۰۰۴ بازمی‌گردد. انقلاب‌های مخملین در اوکراین و گرجستان به‌طور متوالی تهدید منافع روسیه و محدود کردن حوزه نفوذ این کشور را نشانه گرفته بود. مسدود کردن انتقال انرژی به غرب عملی بود که روسیه از آن به‌عنوان ابزاری جهت مقابله با نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حوزه اوراسیا و اروپای شرقی از آن بهره گرفت و پس از آن انرژی را به‌عنوان بخش مهمی از پایه‌های اقتصاد سیاسی این کشور و بازگشت قدرت روسیه و تاثیرگذاری بر تحولات عرصه بین‌المللی مطرح کرد.^۲ بازگشت روسیه به عرصه بین‌المللی را می‌توان در سه مولفه ملاحظه کرد:

1. CIS

۲. اگرچه در سند سیاست خارجی روسیه بطور مشخص به ابزار انرژی اشاره نشده است. اما پس از ۱۹۹۹ و افزایش قیمت‌های انرژی، روسیه بطور مکرر نشان داده است، مهمترین اهرمی که بدان وسیله می‌تواند نفوذ و تاثیر خود را بر منطقه نشان دهد، انرژی است. به جز استفاده محدود از نیروی نظامی در مناقشه اوستیا (۲۰۰۸)، در سایر موارد روسیه برای تغییر معادلات سیاسی - امنیتی در کشورهای هم‌مرز غربی به وابستگی انرژی این کشورها متوسل شده است.

۱. تقویت روابط میان اعضای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با ایجاد جامعه اقتصادی یورو آسیا (EurAsec) و به دست آوردن نفوذ اقتصادی - سیاسی بیشتر در کشورهای مشترک‌المنافع.
۲. افزایش نقش آفرینی روسیه در سازمان ملل، شانگهای و سایر نهادهای بین‌المللی.
۳. ایجاد نظم جدید در زمینه انرژی و ملی کردن صنایع نفت و گاز به عنوان ابزار نفوذ سیاسی.

پرداخت بدهی‌های خارجی، افزایش موقعیت روسیه به‌عنوان یک تامین‌کننده انرژی جهانی و رهایی از هرج و مرج دوران یلتسین، این احساس را در بین مردم و نخبگان روسیه ایجاد کرد، که روسیه دوباره به‌عنوان یک بازیگر جهانی به‌حساب می‌آید. پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ (۲۰۰۶) با انتقاد از سیاست‌های غرب به‌خصوص آمریکا در تقویت گسترش ناتو و احداث سایت‌های موشکی در شرق اروپا، مخالفت‌های روسیه را با اعمال سیاست‌های یکجانبه از طرف آمریکا اعلام کرد. بسیاری از تحلیلگران لحن شدید پوتین در این نشست را پیش درآمد معرفی روسیه به‌عنوان قدرتی اثرگذار در تحولات جهانی می‌دانند که با کمک نیروی انرژی در صحنه بین‌المللی ظهور کرده است (legvold, 2009: 12-14).

نقش صدور انرژی در سیاست خارجی روسیه

روسیه جدید با استفاده از انرژی به‌عنوان یک سلاح در صدد بازسازی امپراطوری خود است. تدوین استراتژی ۲۰۲۰ در صنعت انرژی بر کاهش خسارت محیط زیست، بهبود تکنولوژی در مصرف انرژی، کاهش هزینه‌های عرضه انرژی و افزایش توانایی تولیدی در صنعت نفت و گاز در داخل اشاره دارد (Stepanov, 2000: 4). پوتین با تغییر مدیریت صنعت نفت و گاز روسیه، تصمیم‌گیرندگان در این بخش را از میان همکاران و دوستان خود انتخاب کرده است. اگرچه این مساله جنجالی را به وجود آورد که پوتین یک سیستم فئودالی برای کنترل اداره

۱. باراک اوباما در سپتامبر ۲۰۰۹ اعلام کرده است که دولت آمریکا از استقرار سایتهای ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک صرف‌نظر می‌کند.

روسیه ایجاد کرده است. اما عملکرد موفقیت‌آمیز وی در حوزه اقتصاد، انتقادهای علیه وی را کمرنگ کرد (Krouitikhin, 2008: 25). از سال ۲۰۰۴ یک مدل اقتصادی توسط پوتین اعلام شده است. این مدل (عقلایی شدن)^۱ نامگذاری شده و توسط دولت پوتین به مرحله اجرا در آمده است. کارشناسان معتقدند، این نوع جدیدی از سرمایه‌داری دولتی است، که توسط دولت روسیه اجرا می‌شود. گسترش مالکیت دولتی به‌ویژه صنعت نفت را دربرمی‌گیرد که با مصادره اموال شرکت یوکوس^۲ و خرید شرکت سیب نفت^۳ توسط گازپروم، گسترش یافت (Aslund, 2008: 6). در خارج از مرزهای روسیه نیز این کشور کنترل خود را بر شبکه خطوط لوله، بنادر، تاسیسات زیربنایی و سایر دارایی‌های انرژی در اوراسیا و اروپای شرقی گسترش داده است و با افزایش قیمت خرید انرژی از این کشورها با نرخ جهانی به سمت تقویت سیاست خارجی خود گام برداشته است. در مواردی که کشورهای منطقه دارایی‌های انرژی خود را به شرکتهای غیرروس فروخته‌اند، از طرف این کشور مورد تحریم انرژی قرار گرفته‌اند. کشورهای منطقه نگران این هستند که روسیه با این روش در امور داخلی آنها دخالت کند. مقام‌های دولت بوش و اوباما، روسیه را به خاطر استفاده از انرژی به‌عنوان یک سلاح سیاسی مورد انتقاد قرار داده‌اند (Woehrel, 2009: 1).

تدوین استراتژی انرژی از جمله گام‌هایی بود که دولت روسیه چشم‌انداز برنامه‌های خود را تدوین کند. اهداف کلان روسیه در بخش داخلی بازار انرژی و مجموعه‌ای از سیاستها که به این کشور در افزایش توان بین‌المللی در بازار جهانی کمک می‌کند، در این سند مورد اشاره قرار گرفته است. عنوان این سند «استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰» است که با بازنگری و تکمیل سند «استراتژی تا سال ۲۰۱۰» تهیه گردیده است. این سند حاوی برنامه‌های استراتژیک برای نفت و گاز و تا حدودی ذغال سنگ و انرژی برق آبی است. فعالیتهای بین‌المللی روسیه در بخش انرژی بر طبق استراتژی انرژی عبارت‌اند از:

1. Rationalized.
2. Yukos.
3. Sib neft.

صادرات منابع انرژی، بهره‌برداری از منابع انرژی در سایر کشورها، مشارکت در بازارهای انرژی و کنترل بر منابع و زیرساخت‌های انرژی در سایر کشورها، جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی به بخش انرژی روسیه، مشارکت و همکاری با شرکتهای انرژی، ترانزیت صادرات انرژی و همکاریهای حقوقی و فنی بین‌المللی، تضمین منافع سیاسی روسیه در اروپا و کشورهای همسایه و در داخل منطقه آسیا پاسیفیک.

سیاست‌های انرژی روسیه در حوزه خارج نزدیک

پس از فروپاشی شوروی، ترکیبی از انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی، انرژی اوراسیا را به یکی از موضوع‌های مهم بازارهای جهانی انرژی تبدیل کرده است. حوزه خزر در حالی به یکی از مهمترین منابع صدور انرژی تبدیل شده است که روسیه این منطقه را حوزه سنتی نفوذ خود می‌داند (طرح ایده خارج نزدیک نشان‌دهنده اهمیت منافع حیاتی روسیه در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز است) (کولایی، ۱۳۸۵: ۷۵). روسیه پس از دهه ۱۹۹۰ تلاش کرده است تا نفوذ و موقعیت برتر ژئوپلیتیک در منطقه یاد شده را حفظ کند و این محدوده را حریم امنیتی خود تعریف کند. با پررنگ شدن انرژی این منطقه در معادلات سیاسی-اقتصادی قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا و چین، روسیه بیش از پیش توجه خود را به منطقه جلب نموده است. این واقعیت که سه کشور ساحلی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در خشکی محصور هستند؛ به شدت بر ملاحظات انرژی در منطقه اثر گذاشته است. این امر سبب برجسته‌تر شدن مسئله مسیرهای انتقال انرژی از این منطقه شده است. این در حالی است که روسیه بطور سنتی مایل به حفظ نفوذ خود در انتقال انرژی از منطقه و بهره‌برداری از مزایای آن است (همان: ۷۸).

روسیه مجموعه‌ای از سیاست‌ها را در منطقه غنی از انرژی (خارج نزدیک) اجرا کرده است: در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ این کشور قیمت خرید گاز از کشورهای آسیای مرکزی را به سطح قیمت‌های جهانی افزایش داد. چرخش دیگر در سیاست‌های روسیه افزایش حجم سرمایه‌گذاری برای نوسازی خط لوله‌های گاز از آسیای مرکزی به روسیه و افزایش نقش گاز پروم در بهره‌برداری از حوزه‌های گازی منطقه است. در منطقه قفقاز نیز روسیه با ارائه

طرح‌های جدید در احداث خطوط لوله به مقابله با مسیرهایی پرداخته است که اتحادیه اروپا و آمریکا با ایجاد آن درصدد کاهش نفوذ انرژی روسیه هستند. اجرای مسیرهای دریای بالتیک و خط جریان جنوبی بخشی از این پروژه‌هاست. روسیه همچنین با اعمال فشارهای نظامی و اقتصادی به گرجستان سعی دارد تا نقش‌آفرینی این کشور را در ترانزیت انرژی حوزه خزر تضعیف کند. در عین حال امضای توافق‌نامه دیگری در سال ۲۰۰۶ میان رؤسای چهار کشور ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و روسیه برای بازسازی شبکه خطوط لوله‌ای که گاز آسیای مرکزی را به بازارهای خارجی از طریق سرزمین روسیه انتقال می‌دهد، تحول دیگری در راستای تثبیت کنترل روسیه بر مسیرهای انتقال انرژی است. روسیه در ماه می ۲۰۰۷ با قزاقستان و ترکمنستان در خصوص خط لوله انتقال گاز این کشورها به اروپا «در قالب کنسرسیوم خط لوله خزر» به توافق رسید.

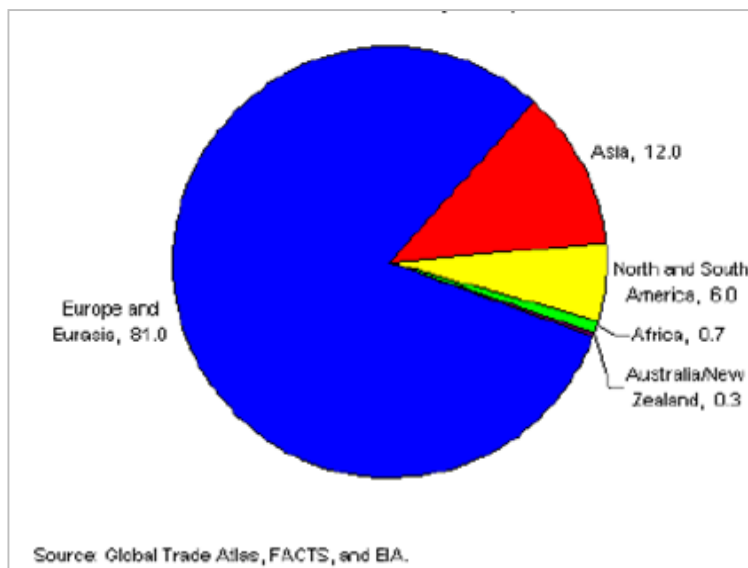
تجزیه و تحلیل

استراتژی امنیت ملی روسیه برای سال ۲۰۲۰ بر منابع بالقوه این کشور به‌عنوان ابزاری جهت گسترش امکانات روسیه و تقویت نفوذ جهانی فدراسیون پرداخته است. پیش از این مسکو در مواجهه با چالش‌های امنیتی در همسایگی خود از این منابع استفاده کرده بود. روسیه در سال ۲۰۰۵، مولداوی را به دلیل فاصله گرفتن از روسیه و نزدیکی به ناتو زیر فشار قرارداده است. بخش مهمی از اقتصاد مولداوی را صادرات شراب این کشور به روسیه تشکیل می‌دهد. اعلام ممنوعیت صادرات شراب به روسیه به دلایل پزشکی اقدامی بود که روسیه بدان وسیله نارضایتی خود را از آتلانتیک‌گرایی مولداوی نشان داد. این تنش‌ها به استونی نیز کشیده شد جایی که مجسمه نظامی متعلق به دوران شوروی از میدان اصلی پایتخت در آوریل ۲۰۰۷ پایین کشیده شد. در قفقاز نیز حمله به گرجستان در سال ۲۰۰۸ و به رسمیت شناختن استقلال مناطق جدایی‌طلب اوستیا، اخطار محکمی به همسایگان روسیه بود که درصدد پیوستن به ناتو و آمریکا هستند. گرجستان با بستن قراردادهای نظامی با آمریکا و شرکت در طرح‌های ناتو از جمله طرح "مشارکت برای عضویت"، ارتش آمریکا و ناتو را به مرزهای روسیه کشانده است (Loskot Strachota, 2007: 12-15). برای رهبران اوکراین

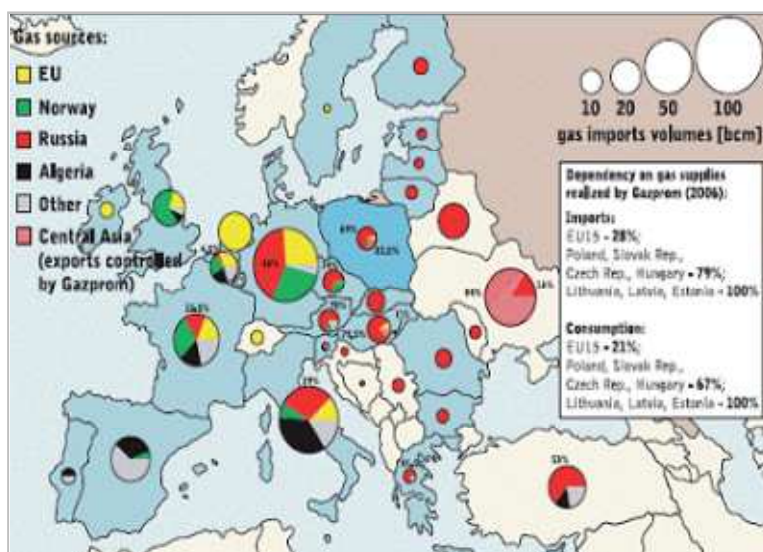
نیز انتخاب بین "اوراسیایی" و "اورآتلانتیکی" بودن، پیامدهایی را به دنبال داشته است. تحولات سال ۲۰۰۴ و انقلاب نارنجی در این کشور (در حالی که ویکتور یوشچنکو کاندیدای مورد حمایت غرب و یاناکوویچ کاندیدای مورد حمایت مسکو) جلوه‌ای از تقابل منافع روسیه و آمریکا را به نمایش گذاشت (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۳۱-۱۳۳). این تحولات نشان می‌دهد اگرچه روسیه در دهه ۱۹۹۰ در مقابل تحولات درون کشورهای مشترک‌المنافع، منفعلانه عمل کرده است، اما در حال حاضر با کمک ابزار اقتصادی درصدد حفاظت از قلمروی است که اتحاد جماهیر شوروی مالک آن بود (Mancevic, 2007: 23-24).

از طرف دیگر روسیه در پی افزایش حضور خود در بین مصرف‌کنندگان عمده شرق و غرب می‌باشد. هدف کرم‌لین برای کنترل بیشتر عرضه انرژی نیست، بلکه اهرمی برای دستیابی سیاسی یا گروگان‌نگه‌داشتن اقتصادی مصرف‌کنندگان می‌باشد (1: weafer, 2009). چرا که برای روسیه منابع عظیم نفت و گاز مانند سلاح‌های هسته‌ای در دوران جماهیر شوروی سابق می‌باشد. پس از ۱۹۹۹ با رونق گرفتن قیمت نفت روسیه مجدداً به‌عنوان یک قدرت بزرگ ظهور کرد. ذخایر فراوان انرژی این کشور و افزایش تقاضای جهانی برای آن به روسیه این فرصت را داده تا در سیاست جهانی نقش تاثیرگذاری داشته باشد. مقامات کرم‌لین از روسیه به عنوان ابر قدرت انرژی نام می‌برند (Petersen & barysch, 2011:2). در این بین وابستگی اروپا به انرژی روسیه بخصوص گاز به موضوع اصلی در اتحادیه اروپا تبدیل شده است و بحث‌های در مورد روابط با روسیه و سیاست انرژی آن در پی داشته است. در جنگ اخیر روسیه و گرجستان این احساس ضروری به‌وجود آمد که اتحادیه اروپا از ترس اینکه مسکو ممکن است، از قدرت عرضه‌کننده اصلی انرژی به اروپا در جهت اخاذی از اروپا و فرمانبرداری از آن استفاده خواهد کرد، باید سیاست انرژی خود را بهبود ببخشد (3-1: Noel, 2008). چرا که هر چقدر عرضه گاز به اروپا بوسیله روسیه افزایش یابد، به معنی افزایش وابستگی سیاسی و تجاری به این کشور می‌باشد (11: Hollins and others, 2006). هنگامی که در ژانویه ۲۰۰۶، روسیه برای تحمیل خواسته‌های سیاسی خود بر اوکراین یا به هر دلیل دیگر جریان گاز را در خط لوله گاز خود به اروپا قطع کرد زنگ خطر برای این اتحادیه به صدا در آمد. این عمل در ژانویه ۲۰۰۹ نیز تکرار شد و تأکیدی بر استراتژی چندوجهی کردن منابع تامین گاز از سوی این اتحادیه شد (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۴). بیشتر صادرات گاز روسیه به اروپا از طرق اوکراین و

بلاروس است. روابط شکننده و گاه خصمانه بین کیف، مینسک و مسکو در گذشته وقفه کوتاهی را در انتقال گاز طبیعی به اروپا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ بوجود آورده است. این امر سبب شده تا در طول دهه گذشته برخی از مقامات اروپایی به‌طور فزاینده‌ای در مورد احتمال قطع گاز روسیه به اروپا ابراز نگرانی کرده‌اند.



شکل ۳: مقصد صادرات نفت روسیه



شکل ۴: وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه (رنگ قرمز) source: molis, 2011: 38

روسیه از منابع عظیم گاز خود استفاده مناسب را برده است و با استفاده از آن نه تنها به احیای قدرت خود پرداخته است بلکه اروپا را با استفاده از همین ابزار در وضعیت فرودست قرار داده است. روسیه نقش رهبری جهان را در صادرات نفت و گاز برعهده دارد و ارزیابی صورت گرفته از ذخایر قطب شمال جایگاه روسیه را به عنوان تامین کننده عمده انرژی در دهه های آینده بخصوص در رابطه با اروپا تضمین می کند. اگر روسیه در این زمینه موفق شود این کشور از نظر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مدرنیزه می شود و در نتیجه بار دیگر می تواند به یک ابر قدرت تبدیل شود. امروزه بسیاری از اروپایی ها به این درک رسیده اند که اتکای بیش از حدشان به انرژی روسیه بویژه در زمینه گاز به عنوان یک تهدید محسوب می شود. برخی معتقدند، روسیه با استفاده از انرژی به عنوان سلاح سیاسی، تامین کننده قابل اعتماد انرژی نمی باشد. بسیاری از ناظران اظهار دارند که وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی روسیه، دست اروپا را در پاسخ و واکنش نسبت به بحرانهای بوجود آمده بسته است (Barysch, 2008: 2-4). دولت آمریکا و کنگره پی در پی امنیت انرژی اروپا را به عنوان منافع این کشور به حساب می آورند و در تلاش هستند تا تنوع عرضه گاز به اروپا را بویژه از طریق توسعه کریدور جنوب آن برای جایگزینی واردات گاز روسیه و وابستگی کمتر به آن، افزایش دهند. دولت بوش از این جریان ژئوپلیتیکی به شدت انتقاد می کرد چرا که معتقد بود روسیه از منابع انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی برای نفوذ در کشورهای دیگر استفاده می کند. دولت اوباما نیز بر تنوع عرضه انرژی به اروپا تاکید می کند اما برای جلوگیری از به خطر انداختن روابط خود با مسکو، به طور آشکارا در مورد سیاست انرژی منطقه ای روسیه ابراز نگرانی نمی کند. تا به امروز استراتژی انرژی آمریکا نسبت به اروپا بر روی آفریقای شمالی برای تعادل در عرضه گاز به اروپا در مقابل روسیه متمرکز نبوده است. با این حال بهار عربی فرصتی ولو با مشکلات بالقوه برای افزایش صادرات از این منطقه باشد. به نظر می رسد شمال آفریقا واقع بینانه ترین جایگزین برای عرضه کوتاه مدت انرژی به اروپا می باشد. در حالی که آسیای مرکزی از ذخایر بیشتری برخوردار است اما نیاز به احداث خط لوله های طولانی می باشد. تغییر رژیم در لیبی به طور خاص و در مصر به عنوان نتیجه ناآرامی های منطقه ای تحت عنوان «بهار عربی» یک فرصت بالقوه برای افزایش تولید و صادرات انرژی بویژه گاز طبیعی این کشورها به اروپا می باشد. لیبی و مصر هر دو دارای ذخایر بزرگ انرژی هستند اما سیاستهای داخلی آنها در گذشته مانع از تولید و صادرات این انرژی می شد (Ratner, 2012: 2-22).

نتیجه‌گیری

رویدادهای دهه نخست سده بیست و یکم در گستره مناسبات انرژی نمایانگر آن است که در عرصه مناسبات بین‌المللی، بازی ژئوپلیتیک انرژی روندی راهبردی می‌یابد. امروزه دارندگان منابع انرژی از این امکان برخوردارند که هرگاه اراده کردند به تهدید کانونهای مصرف پردازند و زنگ خطر را برای مصرف‌کنندگان بزرگ به صدا درآورند. در مناسبات ژئوپلیتیک قدرتهای جهانی، قدرتی توان اثرگذاری عمیق در مناسبات بین‌المللی را خواهد داشت که بر کانونهای تولید و مسیر آنها چیرگی داشته باشد. مسائل مربوط به عرضه و امنیت انرژی امروزه در مرکز سیاست‌های بین‌المللی و اقتصاد جهانی قرار دارد چرا که جهان به سرعت در حال افزایش تقاضا برای منابع انرژی است که روابط و وابستگی چشمگیر کشورها و افزایش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بصورت خیلی زیادی از آن متاثر می‌شود. در این میان روسیه به‌خوبی توانسته از میان مولفه‌های قدرت، از پتانسیل‌های انرژی خود بهره‌برداری کند به طوری که این کشور در ژئوپلیتیک انرژی بویژه گاز طبیعی از مهمترین بازیگران کلیدی و اصلی جهان به‌شمار می‌رود، چرا که توانسته است بازار بزرگ گاز اروپا را در اختیار بگیرد و در سالهای اخیر از این انرژی به‌عنوان یک اهرم استفاده کرده و خود را در موقعیت فرادست نسبت به اروپا قرار داده است. گستردگی جغرافیایی این کشور به همراه منابع غنی از انرژی همانطور که برژینسکی عنوان کرده است، به نظارت روسیه بر نقاط استراتژیک و مراکز صنعتی مهم جهانی انجامیده است. پیوستن روسیه به گروه هشت و نقش آفرینی در مسائل مهم بین‌المللی نظیر بحران خاورمیانه، پرونده هسته‌ای ایران، نمونه‌هایی از تاثیرگذاری روسیه بر مسائل جهانی است. امروزه روسیه با کنترل مسیرهای صادرات انرژی به قاره اروپا، موضع برتری را در قبال کشورهای قدرتمند اروپایی به‌دست آورده است. این توانمندی ایالات متحده را نیز به تامل واداشته است، تا از استقرار سایت‌های موشکی در اروپای شرقی که امنیت روسیه را به چالش می‌کشد، صرف‌نظر کند. دستیابی روسیه به این حد از توانمندی تنها متاثر از بهره‌گیری از ظرفیت ژئوپلیتیک این کشور در تولید و ترانزیت انرژی در سطح وسیعی از شرق آسیا، آمریکا تا اروپا و حوزه مدیترانه است. به معنای دیگر در هر جا که خطوط لوله احداث شده است، روسیه در آن ذی‌نفع و تاثیرگذار است.

کتابشناسی

۱. امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۵)، نفت و امنیت در قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، شماره ۵۶، زمستان؛
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی؛
۳. کولایی، الهه (۱۳۸۵)، روابط ایران و روسیه، تداوم یا تغییر، فصلنامه ایراس، سال اول، شماره اول، پاییز؛
۴. کولایی، الهه (۱۳۸۴)، افسانه انقلابهای رنگی. تهران: موسسه ابرار معاصر؛
۵. کریمی‌پوری، یدالله (۱۳۸۹)، ارزیابی ژئوپلیتیک بازارهای گاز طبیعی ایران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۱۹، زمستان؛
۶. لطفیان، سعیده (۱۳۸۳)، اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک اوراسیا، مجله فرهنگ و اندیشه، سال سوم، شماره نهم، بهار؛
۷. واعظی، محمود (۱۳۸۶)، انرژی اوراسیایی. تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک؛
8. 21-Molis, Arunas (2011), Rethinking EU-Russia energy relations: What do the Baltic States want?, The Study Programme on European Security. From: <http://www.romanalibera.ro/usr/imagini/2011/12/08//213701-spes-policy-papers-2011-molis.pdf>;
9. Aslund, Anders(2008), Russia Energy and The European Union: Perspective on Gazprom, May 15, 2008, from: <http://www.petersoninstitute.org/publications/paper/aslund0508.Pdf>;
10. Barysch, Katinka (2008), Introduction, Pipelines, politics and power, The future of EU-Russia energy relations, center for european reform;
11. BP Statistical Review of world Energy (2014), BP, London;
12. Cooper, William.H (2009), Russia,s Economic Performance and Policies and Their Implications For The Unated States, June 29, P.16. from: <http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL34512.pdf>;
13. Halff, Antoine (2010), Inside Geopolitics of Energy, Special Issue - Energy Poverty and Development, Geopolitics of Energy, Volume 32, Issue 10 and 11, October-November;
14. Hollins, B & P. Tanahill & K A shanks & N Thomas (2006), Assessing the futer challenges of the Global gas market; 23Rd word Gas conference, Amsterdam;
15. Kroutikhin, Mikhail (2008), Energy Policy Makingin Russia: From Putin to Medvedev, Nbr Analysis, Volume 19, No.2, July, p.25. from: <http://www.nbr.org/publications/analysis/pdf.pdf>;
16. Legvold, Robert(2008), Russia,s Strategic Vision and the Role of Energy, NBR Analysis, Volume 19, No.2, July; <http://www.nbr.org/publications/analysis/pdf/vol19No2.pdf>.
17. Leonard, Mrak and Popescu, Nicu (2007), A power Audit of Eu- Russia Relations, November, from: <http://ecfr.3cdn.net.pdf>;

18. Loskot, Strachota(2007), Agata, Gazprom,s Expansion in Eu Cooperation or Domination?, IEA, National Gas Information, from: [http:// www.batory.org.pl/doc/PG_exp_us_1.pdf](http://www.batory.org.pl/doc/PG_exp_us_1.pdf);
19. Mancevic, Denis(2006), Russian Foreign Economic, The Policy to ex Soviet States _ cases of Georgia and Okraine, November , from: www.idec.gr;
20. Meinhart, Berit and Pavel Ferdinand (2006), Transporting Russian gas to Western Europe the Energy Journal, Vol 26. Number 2;
21. Monaghan, Andrew and Lucia Montanaro and Jan kovski (2006) Eu- Russia Energy Relations: The need for active engage ment, Epc Issue Paper No.45, March, p.1. from:<http://www.epc.eu>;
22. Noel, Pierre (2008), beyond dependence: how to deal with Russian gas, European conical on foreign reactions. www.ecfr.eu;
23. Oil Supply Security(2007), IEA;
24. Petersen, Alexandros & Barysch, Katinka(2011), RUSSIA, CHINA AND THE GEOPOLITICS OF ENERGY IN CENTRAL ASIA, Published by the Centre for European Reform, London. From: www.cer.org.uk
25. Pirog, Robert (2005), World Oil Demandits Effecton OilPrices, June9, from: www.fas.Org/sgp/crs/misc/RL32530.pdf;
26. Priddle, Robert (2002), Russia Energy Survey, International Energy Agency, gruede la Federation, Paris. From: <http://www.oil market report.org/text base /nppdf/free/2000/russia2002.pdf.2>;
27. Ratner, Michael & Paul Belkin & Jim Nichol & Steven Woehrel (2012), Europe's Energy Security: Options and Challenges to Natural Gas Supply Diversification, Congressional Research Service, Prepared for Members and Committees of Congress;
28. Stepanov, Alexey M. (2010),Energy Sterategy of The Russian Federation to the year 2020, p.4. from: http://euceuropa.euenergy/Russia/presentations/doc/energy-strategy2020_en.pdf;
29. Study on Energy Supply Security and Geopolitics(2004), January from:http://www.windenergy.de/fileadmin/document/themen_A_Z/Extern%20kosten/studie_Eu_energy_supply.pdf;
30. The Foreign Policy Concept of The Russian Federation(2008),July12, from: [http:// www.geostrategy.gr/pdf](http://www.geostrategy.gr/pdf);
31. U.S. Energy Information Administration, Russia(2014), from: <http://www.eia.gov/countries/analysisbriefs/Russia/russia.pdf>;
32. Vahtra, Peter and Stefan Ehrstedt (2008), Russian Energy Supplies and The Baltic Sea Region, from: www.tse.fi/f1/vahtra%20and%20Ehrastedt%201408%20web.pdf;
33. weafer, chris(2009), gas-opec- cooperation or confrontation?, Baltic rim economies, from: www.tse.fi/pei;
34. Woehrel, Steven (2009), Russian Energy Policy toward Neighboring Countries, September 2, from: <http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL34261.pdf>.